



## سیاست - قسمت پنجم: همسر داری

چنانکه در قسمت اول گفته شد، پس از سیاست نفس لازم است که به سیاست منزل پردازیم و آن عبارت است از تدبیراتی که برای قوام و تعالی خانواده لازم الاجراست و در این خصوص به موارد بسیاری مانند سیاست اعضای خانواده (زن، فرزند)، سیاست اقتصاد خانواده (کسب و جمع و خرج مال) و... میتوان اشاره نمود.

ابتدا اینکه طبق شرع و حکمت، سیاست خانواده باید بدست مرد باشد چرا که سیاست به معنای حاکم نمودن عقل بر امور است و زنان به علت غلبه نفس بر ایشان، توانایی این امر را نخواهند داشت. از این جهت ائمه علیهم السلام ملعون شمرده اند جمعی را که زن مدبر و سائس ایشان باشد و آن را از نشانه های بد آخر الزمان دانسته اند، چنانکه مشهود است.

بنابراین، آنچه در مطالب سیاست منزل اشاره خواهد شد، برای یک مرد و سائس خانواده خواهد بود، و در این مطلب که ابتدای آن هاست به سیاست زوجه خواهیم پرداخت.

اما پیش از آنکه همسری اختیار کرده باشیم و چگونگی سیاست او را بدانیم، خوب است که ابتدا عقل را در انتخاب او بکار بسته و به این وسیله سیاست پس از تزویج را برای خود تسهیل کنیم و همین پیشگیری در تمامی امور اولین سیاست است.

مختصری از آنچه ائمه علیهم السلام در این باره فرموده اند عبارت است از اینکه:

1- زن بایست کفو مرد باشد و اهم آن کفو بودن از لحاظ ایمان است چنانکه فرموده اند سزاوار است که با زن به جهت دین او ازدواج کنند، نه آنکه در پی مال و جمال او باشند ولو اینکه زن بی دینی باشد، و هر که چنین کند، خداوند از این ازدواج بر او نمی افزاید مگر ذلت و حقارت.

2- زن باید میل به شوهر خود داشته باشد. از این جهت در ازدواج هایی که با عدم رضایت دختر صورت میگیرد، اگر چه شرعا صحیح دانسته میشود اما عاقبت خوشی نخواهد داشت.

3- زن از لحاظ سنی ترجیحا کوچکتر از مرد باشد و ازدواج با پیرزن نهی شده.

4- در امور منزل تدبیر داشته باشد، چرا که تدبیرات کلی منزل بعهده مرد است و تدبیرات جزئی و آنچه در غیاب مرد میگذرد بر عهده زن میباشد.

5- از لحاظ جسمی، ترجیحا باکره، زیبا و معتدل باشد (ذکر جزئیات در احادیث شده) چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند بهترین زنان امت من آن است که خوشرو تر و مهرش کمتر باشد، و همچنین فرزند آور باشد چرا که از اعظم حکمت های ازدواج تداوم نسل است.

6- از لحاظ رفتار، نظیف، خوش خلق، خنده رو و مهربان باشد. و لجوج و سرکش و فتنه گر نباشد.

7- از لحاظ منش، نزد غیر با حیا و عقیف باشد، و نزد شوهر بالعکس خود را بیاراید و خود را از او منع نکند.

8- از لحاظ عشیره در خانواده خوبی پرورش یافته باشد. هم از حیث تربیت خود او و هم امکان ارتباط نیکو با عشیره اش. و همچنین در خانواده خود عزیز بوده و نزد شوهر مطیع و تسلیم باشد، نه مانند کسانی که در خانواده خود ذلیلند و میخواهند که نزد شوهر جبران کرده خود را بزرگ بدارند و مسلط باشند.

آنچه ذکر شد برخی از مواردی است که هنگام انتخاب همسر باید توجه داشت، و برای دانستن جزئیات بیشتر به کتب مربوطه از احکام و آداب و سنن مراجعه نمایید.

اما پس از انتخاب همسر، هنگام دانستن سیاست هایی است که در قبال او باید اعمال نمود و در این باره نیز مختصری از آنچه ائمه علیهم السلام فرموده اند ذکر میکنم:

1- توقع بیجا نباید از زن داشت و با توجه به اینکه نفس او غالب بر عقلش می باشد، در هر حال باید با ایشان مدارا و خوشرفتاری نمود و جهالت های ایشان را بخشید و فرموده اند بهترین شما کسی است که با اهل بیت خود بهتر رفتار کند.

2- فرموده اند که واجب است امر کردن زن به کار صحیح و نهی او از کار منکر، اگر قبول نمود خوب است و گر نه تو وظیفه ات را انجام داده ای.

3- باید به زن اظهار محبت کرد و بد خلقی ننمود (مانند فحش دادن، کتک زدن و اذیت و آزار)، چنانکه

امیرالمؤمنین خطاب به امام حسن علیهما السلام توصیه فرمودند که با همسرت مدارا کن، و با او به نیکی همنشینی کن تا زندگیت آسوده و باصفا باشد. اما بیش از حدی که صلاح حالش است نباید اکرام نمود چرا که موجب طغیان او است.

**4-** زن را نباید متصدی آنچه از محدوده نفشش خارج است قرار داد و بکار دیگری وا داشت، چنانکه فرموده اند این برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است، زیرا که زن گلی است نه خدمتکار.

**5-** نباید امانت داری مال را به ایشان سپرد و تدبیرات امور را به ایشان واگذارد، چنانکه فرموده اند، مردی که تدبیر او به دست زنش باشد ملعون است.

**6-** نباید با زنان رازی گفت چرا که عمداً یا سهواً برملا خواهد شد و نباید با ایشان مشورت کرد چنانکه صلاحدید ایشان از روی ضعف و سستی است و نباید اطاعت ایشان را نمود چرا که امر ایشان بر پایه امیال نفسانی است و در تمامی موارد منجر به ندامت خواهد شد و احادیث شدید اللحن تری در این مورد وارد شده و حکمت های بسیاری دارد که تنها به یکی از آنها اشاره داشتیم.

**7-** زن را باید در خانه، محفوظ و پوشیده نگاه داشت و به این واسطه مانع از رسیدن صدمات به او شد.

**8-** غیرت مرد برای زن از ایمان است اما در جایی که شرعاً مشکلی نیست نباید غیرت به خرج داد چرا که موجب بد شدن زن خوب و سالم خواهد شد.

**9-** نباید که زن برای کسی، نزد مرد خود شفاعت و واسطه گری کند.

**10-** تمامی قوت مردانگی را نباید مصروف او نمود تا ضعف و ناتوانی از مرد خود نبیند.

**11-** فرموده اند، سزاوار است که مرد خود را برای زن آراسته و خوش هیأت کند.

**12-** خرج برای اهل و عیال باید متناسب با وسع شخص باشد، یعنی هر گاه خداوند به مرد وسعتی داد، او هم باید بر عیال خود وسعت دهد و ایشان را ضایع ننماید و اگر خداوند کم کرد او هم کم کند و همچنین ادای نفقه (خوراک و پوشاک و مسکن) واجب است و فراهم نمودن تمام و کمال احتیاجات ایشان مستحب.

**13-** پیرامون جزئیات نفقه در احادیث فرموده اند که:

1- یک روز در میان روغن بدهد

2- سه روز يك بار گوشت بدهد

3- هر شش ماه رنگ (لوازم آرایش) بدهد

4- هر سال چهار جامه به زن خود میدهد دو لباس برای زمستان و دو لباس برای تابستان

و همچنین فرموده اند که سزاوار نیست خانه خود را از روغن برای مالیدن به سر و سرکه و روغن زیتون خالی بگذارد و فرموده اند هر میوه‌ای که فراوان شد باید از آن برا عیال خود تهیه کند و چون عید آید باید خوراک بیشتری به آنها بدهد و سزاوار است که مؤمن در زمستان از قوت عیال کم کرده و بر هیزم و وسیله گرم کردن آنها بیفزاید و فرموده اند که در نوع غذا باید به شوق و رغبت اهل و عیال غذا خورد و این نشانه مؤمن است.

**14-** به جز نفقه، زن حق دارد که در هر چهار شب یک شب هم بستر همسر خود باشد و البته فرموده اند که بر خلاف جوانمردی است که مرد در شهری که زن او در آنجا است، در خانه دیگری بخوابد و برای جماع اقل آن را چهار ماه یک بار فرموده اند.

آنچه ذکر شد تمامی احکام مربوطه نیست و صرفاً مواردی را ذکر کردم که در آن جنبه سیاست و تدبیر ایشان لحاظ شده، لذا جهت اطلاعات بیشتر به کتب مربوطه رجوع نمایید و یا از بخش دیدگاه ها سوال خود را مطرح کنید.